

قلعه گرد کوه (گنبدان دژ)

درباره آثار باستانی قسمتی از منطقه مرکزی ایران (سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام، جندق و بیابانک) کتابی در دست تألیف است که امید است تألیفی دقیق و مستدل و معتبر از کار درآید. از هم‌ولایتی‌های ارجمند و اهل ادب در این منطقه درخواست کرده‌ایم در تحصیل هر گونه اطلاع در این زمینه ما را یاری دهند و این درخواست تجدید و تکرار می‌شود. این مقاله را که درباره «گرد کوه» دامغان است به معرض مطالعه صاحب نظران قرار می‌دهد با عرض سپاسگزاری از نویسنده محترم. (مجله ینما)

گرد کوه یکه کوهیست واقع در ۱۸ کیلومتری غرب دامغان با ارتفاع تقریبی یک هزار متر و طول نیم کیلومتر. این کوه از لحاظ موقعیت طبیعی یکی از قدیمی‌ترین پناهگاه‌هایی است که در سیر ادوار تاریخ مورد استفاده اقوام مختلف بوده و از قدیمی‌ترین زمان تاریخی اهمیت بخصوصی داشته. طبق گفته دقیق و فردوسی اسفندیار مدتی بفرمان پدرش گشتاسب در قلعه این کوه که «گنبدان دژ» نام داشته در بند بوده است و شرح این واقعه را مرحوم محمدحسن خان صنیع‌الدوله در کتاب «مطلع الشمس» چنین نقل نموده است:

«و ارباب خبر دانند که چون زردشت دین خود را در ایران رواج داد و گشتاسب را باین کیش معتقد نمود او را از دادن خراج به ارجاسب پادشاه توران مانع شد. ارجاسب بمطالعه خراج و تمکین آوردن گشتاسب قشونی از رود جیحون عبور داد. گشتاسب پسر خود «اسفندیار» را بدفع و قتال او روانه و مأمور کرد و اسفندیار ارجاسب را شکستی فاحش داد، اعظم ایران چون این فتح نمایان را از اسفندیار دیدند بسطانت او مایل گردیدند، گشتاسب از اسفندیار رنجیده او را در قلعه گرد کوه که «گنبدان دژ» می‌گفتند حبس نمود. ارجاسب چون این اختلال را در وضع سلطنت گشتاست دید مجدداً لشکر بایران کشید و «لهراسب» پدر گشتاسب را که در بلخ منزوی بود بقتل رسانید و دختران پادشاه را اسیر کرد و تمام خراسان را متصرف شد. گشتاسب ناچار اسفندیار را از حبس بیرون آورد و بمقابله و مقاتله دشمن فرستاد و باز فتح و نصرت اسفندیار را نصیب شد و دقیقی که هزاربیت از اشعار او در «شاهنامه» درج شده در حبس کردن اسفندیار در گنبدان دژ گوید:

ببردندش از پیش فرخ پدر	سوی گنبدان دژ پر از خاک سر
بر آن دژش بردند بر کوهسار	ستون آفریدند از آهن چهار
و نیز در مکالمه اسفندیار با گشتاسب حکیم ابوالقاسم فردوسی فرماید:	
بیستی تن من به بند گران	بزنجیر و مسمار آهنگران
سوی گنبدان دژ فرستادیم	ز خواری به بیگانگان دادیم،

پس از گذشت قرن‌ها بار دیگر قلعه گرد کوه اهمیت بسزایی کسب نمود زیرا با توسعه

گردکوه (گنبدان دژ) نمای جنوبی



فعالیت‌های فرقه اسمعیلیه (ملاحده) برهبری «حسن صباح» در ایران، این قلعه مورد توجه واقع شد و در سال (۴۹۵) هجری «رئیس مظفر» حاکم دامغان که از پیروان ثابت‌قدم فرقه مذکور بود آنرا تصرف نموده و پناهگاه خویش قرار داد.

قلعه گردکوه بعد از «قلعه الموت» و «رودبار» بزرگترین پناهگاه ملاحده بوده و یکی از مراکز مهم فعالیت‌های رعب‌آور این فرقه بحساب می‌آمده و در دوران تسلط ایشان تسخیر آن غیر قابل امکان بوده است ولی عاقبت «منکوقاآن» در ماه جمادی الاخر سال (۶۵۰) برادر خود «هلاکوخان» متوفی در شب یکشنبه ۱۹ ربیع الاخر (۶۶۳) هجری را مأمور دفع و برانداختن این فرقه کرد و هلاکوخان بسر کردگی «کیشوقانویان» در اوائل سال (۶۵۱) بتهستان حمله کرد و پس از گرفتن چند قلعه با پنجهزار سوار و پنجهزار پیاده پبای گردکوه رسید و دستور داد تا اطراف قلعه و پشت سر سپاهیان را خندقی گرد بکنند تا راه از قفا و جانب جلو بسته شود اما محصورین گردکوه شب نهم شوال (۶۵۱) بسر لشکریان منول تاخته و پیش از صد نفر ایشان را کشتند، قسمتی از منولان سوی ترشیزوتون توجه نموده و بتلافی شکستی که خورده بودند، این دوشهر را گرفته و قتل و غارت کردند. مقارن این احوال محاصره شدگان گردکوه بعلاءالدین محمد پادشاه ملاحده خبر دادند که در قلعه «وبا» افتاده و بسبب هلاکت افراد نزدیک است که قلعه از دست برود، علاءالدین یکصد و ده نفر فدائی بکمک فرستاد که جز یکی همه سالم بقلعه رسیدند. در این موقع آب در گردکوه چنان نایاب شده بود که تنی چند از مبتلایان به وبا آبی را که حنای پای دختر یکی از بزرگان فرقه را شب عروسی با آن شسته بودند، خوردند و در اثر حنا سالم شدند بدین تجربه مقداری حنا جهت بیماران طلبیده همه بکار بردند و اغلب شفا یافتند.

هلاکو پس از یکرشته جنگ‌های متوالی بالاخره اول ذیقعدة سال (۶۵۴) خورشاه پادشاه اسمعیلیان را مغلوب و وادار بتسلیم کرد و لشکریان منول پس از تسلیم شدن خورشاه همه بستگان و خویشان او را که میان ابهر و قزوین میزیستند از کودک گهواره تا مرد کهنسال

کشند. اما مدافعین دو قلعه گردکوه و «لنبه سر» تا چند سال همچنان مردانه از خود دفاع مینمودند. خورشاه بعد از چندی بمیل خود عازم خدمت منککو قان شد، اما بقول صاحب «جامع التواریخ» سلطان مغول وی را نپذیرفت و فرمود «که او را چرا میآرند و اولاغ بهرزه خسته می کنند» و او هنگامیکه برای وادار کردن مدافعین گردکوه بتسلیم شدن، بطرف دامغان می آمد بدست چند نفر از مغولان که همراهش بودند کشته شد و بدین ترتیب فرقه مذکور برانداخته شد و قلعه گردکوه نیز موقعیت خود را از دست داد.

* * *

حال که با موقعیت تاریخی قلعه گردکوه آشنا شدیم، برای پی بردن بوضع ساختمان این قلعه نیز، بنقل جامعترین گزارشی که بدستور «ناصرالدین شاه قاجار» توسط شیخ مهدی عبدالرب آبادی عضو هیئت مؤلفین «نامه دانشوران» و میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفرغی رئیس دارالطباعة دولتی و مدیر دارالترجمه زمان ناصرالدین شاه قاجار تهیه شده است مبادرت می شود:

«گردکوه در کوهسار مغربی شهر دامغان واقع شده، بفاصله دو فرسنگ و نیم و آن عبارت است از یک قطعه کوه منفرد مرتفع در نهایت صعوبت مسلك بارتفاع یکهزار ذرع تقریبی و طول سه هزار ذرع تحقیقی و استطلاع آن از جنوب بشمال و سطح این کوه از بیست ذرع الی سی ذرع عرض دارد و غالباً تسطیحش طبیعی و بر حسب خلقت اولیه است و در دامنه سمت شرقی آن چند کوه منفصل محقر واقع شده که نسبت باصل گردکوه مثل یک برجهایی چند اتفاق افتاده، گرداگرد تمام اینها دیواری مستدیر بمساحت یکفرسنگ از کچ و سنگ کشیده شده است و گردکوه مع مایعلق بها از دامنه چهار سمت و آن چند کوه کوچک همه در میان این دایره وقوع یافته و از دیوار محیط چند جا بارتفاع یک ذرع و نیم و دو ذرع فعلا برپا و قائم است و بر سر آن کوههای کوچک بروج و نشیمن قراول ساخته اند، و سطح بعضی که وسیع تر بوده خانه و عمارت بنا کرده اند و از دیوار و آثار آن خانهها بیشتر باقی و موجود است و بر سطح خود «گردکوه» عمارات و مساکن بسیار بوده و خصوصاً در سمت مشرق که یکدست بنای معتبر محکم داشته بشکل مربع مستطیل مشتمل بر چند اطاق بزرگ و غرفه های کوچک و مقدار عمده این عمارت سمت شرقی بالفعل باقی است و از فرط استحکام در مدت «هفتصد سال» بل ازید چیزی از آن خراب نشده الا سقفها و قلیلی از دیوارها. در دو ضلع جنوبی و شمالی دو برج باریک متساوی الطرفین دارد و ما بین این دو برج دیواری مشتمل بر چند در که از اطاقی بزرگ در وسط و دو غرفه در جنبین آن بطرف مشرق باز میشده است و در سطح سمت جنوبی سه برکه بزرگ و انبار آست و هرسه مسقف بوده و بهم راه داشته است اما حالاً تمام سقفها ریخته و بیشتر راهها گرفته شده و ابعاد ثلاثه این سه برکه عرضاً و عمقاً یکسان است و عرض هر کدام هشت ذرع و عمق چهار ذرع و نیم می باشد و طولاً اختلاف دارد، طول یکی بیست و یک ذرع و یکی بیست ذرع و دیگری بیست و هفت ذرع، در وسط سطح این کوه در موضعی که از همه جا بلندتر است آبدانی ساخته شده شبیه تنوره آسیای آبی ولی دهنه آن تنگ است و بتدریج هر چه پائین می رود فراخ تر می گردد و چون بمرو دهور تا یکذرعی دهنه پر شده است معلوم نیست که که غور و قمر آن تاجه مقدار بوده و محتمل است که محل ذخیره حیوانات و سایر ماکولات بوده

کوزه (فامجان)

کوه شرقی

داخل آن سه برکه را با آجر بر آورده اند و روی آنها توی این تنوره را بساروج اندوده اند و در مقابل و محاذی عمارت شرقی و دیوار يك اطاق از ابنیه آن الان هم برجای ایستاده است و پای آن اطاق حوضی است بزرگ بطول پانزده ذرع و قعر اصلی این حوض و آن سه برکه معلوم نیست چرا که مقداری لاعلی التعمین از عمق آنها بمصالح سقفها و اطراف که از هم ریخته است آکنده شده و این تحدید که در عمق آنها نوشته شد از روی کف حالیه است و آثار و ادوات و لوازم زندگانی که بر سطح گردکوه دیده شده شکسته های ظروف سفال از «کوزه» و «خم» و «قدح» و «کاسه» بالوان مختلف از کبود و سبز و سرخ و آبی و بر یکی از آنها «خط کوفی» دیده شده و هم شکسته آبگینه ضخیم بدست افتاد. و طریق عروج سطح گردکوه منحصر است براهی که از طرف شرقی آن تراشیده و ساخته بوده اند و دیگر از جمیع اطراف کوه هر جا که بالا رفتن امکان داشته است با سنگ و گچ باهتمام مسدود نموده اند، و بالفعل آن راه مصنوعی هم مندرس و منظم شده و طی آن خطر فاحش دارد. و در اثناء این راه در کمر کوه برکه دیگری است نظیر حوضی که بر سطح انداخته اند و بالاتر از این برکه بنای مختصریست که بقراولخانه میماند و ساخت آن باخشت و گل است و غیر از این يك بناء جمیع ابنیه و عمارات بالا و پائین این معقل حصین از سنگ است و گچ، و يك بنای دیگر هم در بیخ گردکوه از طرف محاذی جلگه ساخته اند که تمام آن از آجر است و این بنای آجری در مقابل راهی که از جلگه وارد این کوهسار میشود واقع گردیده است فلاشک جای دیده بان بوده. از ملاحظه حسانت و استحکام این مکان محقق میشود که بقوت اسلحه و ادوات حریبه قدیم فتح اینجا عنوة از محالات بوده و مولانا جلال الدین رومی بالخصوص از این کوه در «مثنوی» نام برده میگوید:

هریکی چون ملحدان گردکوه کارد میزد پیر خود را بی ستوه

نگارنده نیز در شانزدهم شهریور ماه سال جاری باتفاق یکی از دوستان بمنظور

مشاهده قله مذکور و عکسبرداری از آن، به قریه «قدرت آباد» که در چند کیلومتری جنوب گردکوه واقعست رفته و بهمراهی یکی از اهالی این قریه که چندین بار از کوه مذکور دیدن نموده و با وضعیت آن آشنائی داشت بمحل مذکور عزیمت نمودیم که در اینجا بشرح مشاهدات خود میپرازد :

این کوه از فاصله دور بمعنای واقعی نام خود «گرد» است و دست طبیعت نمای بسیار جالبی بدان بخشیده است. ولی هر چه نزدیک شویم گردی آن محو شده و مخصوصاً از فاصله یک کیلومتری اصلاً بنظر نمیآید.



ما پس از پیمودن جلگه و رسیدن بکوهسار از جانب جنوب از یک دهنه عریض وارد محوطه ای شدیم که بدامنه اصل گردکوه منتهی میشود. در این محوطه مخصوصاً در جانب مشرق رشته کوههای کم ارتفاع و پراستادی وجود دارد که دیوار قلعه و برجهای آن بر فراز بلندترین رشته های این کوهها ساخته شده است.

صعود به بالای کوه از جانب شرقی که تنها راه آن میباشد صورت گرفت و مدت پنجاه دقیقه بطول انجامید و طی آن با خطرات فراوان مخصوصاً در کمر کوه مواجه شدیم و این

خطرات بحدی بود که اگر راهنما نمیداشتیم برای ما امکان سقوط وجود داشت. پس از رسیدن به بالا از منظره ظاهری قلعه جز ساختمان شرقی که از چند کیلومتری نیز نمایان است، بنای دیگری جلب توجه نمیکرد، زیرا که بقیه ساختمانهای سطح گردکوه که بیشتر در قسمت شمال و مشرق و مغرب قرار داشته است، بکلی منهدم گردیده و اکنون بعضی از دیوارهای بناها با ارتفاع یک متر و یک و نیم و دو متر باقی مانده و بقیه آن بصورت نپههایی از سنگ و گچ خود نمایی میکند. از ساختمان شرقی نیز در حال حاضر فقط همان دو برج دیده بانی و قسمتی از دیوارهای آن باقیست و داخل آن نیز از سنگ و گچ پر شده است.



برج دیده بانی
از قسمت و گچ

سه انبار آب که در قسمت جنوبی سطح گردکوه قرار دارد، تقریباً بهمان وضعی که در گزارش زمان ناصرالدین شاه توصیف شده است باقیست و فقط قسمتی از بدنه‌های آنها بمرور فرو ریخته است. این حوضها که از آجر ساخته شده و ساروج گردیده است، در آن روز مکان مناسبی برای استراحت ما محسوب میشد، زیرا که در سطح وسیع گردکوه جای سایه و مسطح برای نشستن وجود ندارد و ما اجباراً داخل یکی از این حوضها را برای استراحت و سرف غذایی که به همراه داشتیم انتخاب کردیم. در کنار یکی از این حوضها گودال مستطیل شکلی

قرار دارد که از سنگ و گچ ساخته شده است. از این گودال که مورد استفاده آن معلوم نیست و در گزارش زمان ناصرالدین شاه، نیز بدان اشاره‌ای نشده، اکنون آثاری بطول سه متر و ارتفاع سه چهارمیک باقیست.

در وسط گردکوه که ضمناً بلندترین نقطه آن میباشد، دو آبدان در کنار یکدیگر با فاصله نیم متر قرار دارد و همانطور که نوشته‌اند شبیه تنوره آسیای آبی میباشد و تصور میرود که محل ذخیره مواد غذایی بوده است و باید هم چنین باشد زیرا در عصر حاضر نیز در دامغان برای ذخیره بعضی مواد غذایی مخصوصاً گندم و جو وسیله‌ای ساخته میشود بنام و کندو، که شبیه این آبدانها میباشد. در اینجا باید باین موضوع اشاره شود که در گزارش زمان ناصرالدین شاه در مکان مذکور از يك آبدان نام برده‌اند و این موجب تعجب میباشد، زیرا همانطوریکه ذکر شد دو آبدان است در کنار یکدیگر، و حالیه این سؤال پیش می‌آید که چرا در گزارش مذکور يك آبدان ذکر شده است؟ بدین سؤال چنین میتوان پاسخ داد که حتماً در آن تاریخ یکی از آبدانها در دل سنگها مدفون بوده و بعدها در حفاری و کاوشهاییکه صورت گرفته هویدا گردیده است. از حفاری و کاوش ذکر می‌شد لازم است توضیح داده شود که اهالی قرام اطراف گردکوه بامید یافتن اشیاء قدیمی در سطح این کوه کاوشهای زیادی نموده‌اند که راهنمای ساده دل ما نیز از جمله آنها بوده است و در آن روز محلی را که حفاری نموده بود مشاهده نمودیم و بطوریکه اظهار میداشت چند سال قبل بوسیله دو تن از روستائیان قرام اطراف يك «ديک» مسی قدیمی از دل کوه بدست آمده است. از اطاق کنار آبدانها اکنون دیواری بارتفاع يك متر و تپه‌ای از سنگ باقیست و حوض آن نیز در زیر سنگها مدفون گردیده است.

از برج دیده‌بانی کمر کوه که از خشت خام بطرز زیبایی ساخته شده اکنون فقط دیوار مختصری بارتفاع يك متر و نیم باقیست و حوض کنار آن نیز از خاک و سنگ پر شده.

در دامنه شرقی اصل گردکوه و ابتدای راهی که به بالای کوه منتهی میشود قراولخانه‌ای بوده که اکنون ویران گردیده و فقط نشانه‌ای از آن بچشم میخورد، در کنار این قراولخانه يك آبدان وجود دارد شبیه دو آبدان بالا ولی کوچکتر که عمق فعلی آن در حدود يك متر میباشد و تعجب در اینست که در گزارش زمان ناصرالدین شاه از این قراولخانه و این آبدان ذکر می‌بمان نیامده است. در بین راه مذکور نیز در فواصل مختلف چند برج دیده‌بانی قرار داشته که اکنون قسمتهای مختصری از دیوارهای آنها باقی و برقرار است. دیوار قلعه و برجها و ساختمانهای آن در حال حاضر منهدم گردیده و آثاری از آنها بارتفاع يك متر و يك متر و نیم و تپه‌هایی از سنگ باقی مانده است.

تنها بنائیی که در قلعه گردکوه تقریباً سالم مانده است ساختمان قراولخانه‌ایست که در کمر قسمت جنوبی اصل گردکوه قرار دارد. این بنای ساده که متأسفانه عکسبرداری از آن از نزدیک ممکن نگردید با آجر ساخته شده و از فاصله چند کیلومتری نمایان است و موقعیت آن در تصویر نمای جنوبی گردکوه بخوبی مشاهده میشود.

رحمت الله نجاتی دامغانی